

متن پرسش

با سلام و عرض ادب خدمت جناب استاد عزیزم: فقط می‌توانم بگویم با پیاده کردن رهنمودهای جنابعالی در تمام شئون زندگی می‌تواند جبران این همه زحمات شما باشد. از حضرت الله بهترین خیرات دنیوی و اخروی را برای حضرتعالی مسئلت دارم. خواستم در مورد متن ذیل نظر حضرتعالی را بدانم، و از نویسنده متن تحلیلی داشته باشم. التماس دعا شعارهای انقلاب در دوراهی فقه و چپ‌گرایی! اوایل انقلاب شعار «جامعه بی طبقه توحیدی» بر زبان انقلابیون می‌چرخید آن زمان که هنوز مدار انقلابی‌گری برمدار اصلاح داخل بود و نه اصلاح عالم! بعدتر شعارهایی چون «مرگ بر امریکا و شوروی» و «جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم» که بوی اصلاح روند ظالمانه حاکم بر عالم را داشت جایگزین شعارهای قبلی شدند که نشان از تغییر اولویت‌ها از اصلاح داخل به اصلاح عالم می‌داد. بی‌گمان شعار «جامعه بی طبقه توحیدی» با فقه سازگاری‌ای ندارد وقتی عباداتی مخصوص ثروتمندان است چون خمس و زکات و حج و امیرمومنان پس از خانه نشینی و در اثر کار و تلاش از ثروتمندان عرب می‌شود اگر چه در زندگی زهد می‌ورزد. شعار «جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم» هم نه معقول است نه مشروع چون انسان عاقل و فرهنگ دینی در بسیاری موارد برای حفظ جان و مال انسانها، آنها را ناگزیر از تقیه و مدارا می‌داند و نه جنگ. به همین دلیل شعار مرگ بر امریکا که موجب بغض و کینه در دل مردم امریکا و بر افروختن آتش کینه در دل فرعون عصر حاضر است نیز نه با عقل سازگار است و نه شرع. مگر امام‌کاظم (ع) با فرعون عصر خود از در تقیه و مدارا در نیامد و هارون‌الرشید خون ریز را امیرمومنان خطاب نکرد؟! همچنین دیگر امامان شیعه؟ فقه شیعه بشدت بر حفظ جان انسانها و کین تشیع پای می‌فشارد و رفتاری از سر دور اندیشی با جائران زمانه دارد. برخلاف فقه برخی فِرَق منحرف شیعه چون زیدیه، که برجنگ آشکار با ظالمان زمان و نفی تقیه پای می‌فشارند که البته امامان شیعه، پیروان خود را از این فرقه‌ها برحذر می‌داشتند. اینکه بر اساس کدام قواعد فقهی به یکباره با تایید تسخیر سفارت امریکا، جنگی اعلان نشده با امریکا را آغاز نمودیم، باید حامیان این سیاست توضیح دهند. بنظر می‌رسد با خطای محاسبه گمان می‌شد اگر شاه را به زیر کشیده، با ایجاد یک وحدت و انسجام در ملل مستضعف می‌توانیم آمریکا را هم تضعیف و شاید منفعل نماییم. اما در عمل این درافتادن با قدرت اول اقتصادی و سیاسی دنیا موجب باز ماندن از حل مشکلات داخلی و بعدتر تحمیل جنگی ۸ ساله و بعد تر تحریم‌ها گردید. آیا ضعف قوای داخلی ما متأثر از همین رفتار بین الملل ما نیست؟ اگر پس از پیروزی انقلاب به‌جای رفتن سراغ امریکا سراغ حل مشکلات داخلی و سر وسامان دادن به وضع مملکت رفته بودیم و در قبال ظلم‌های امریکا در اقطار عالم، به محکومیت‌های

دیپلماتیک و هم‌افزایی با دول همراه در مجامع بسنده می‌کردیم یعنی همان سیاست ترکیه یا اندونزی، الان امریکا با یک قدرت اقتصادی منطقه ای مقتدر مواجه نبود؟ شرع در تعیین مصداق و اینکه در تعامل با آمریکا پس از انقلاب، جای تقیه بوده یا مبارزه علنی، تابع عقل است به عبارت دیگر چهارچوب‌ها و احکام از جانب خداست اما تعیین مصادیق احکام کاملاً بشری و برخاسته از عقل است. آیا پس از ۴۰ سال عقل حکم نمی‌کند نباید به آن سرعت و فارغ نشده از انقلاب اول سراغ انقلاب دوم می‌رفتیم؟! امروز وظیفه چیست؟! این مسیر که به تحلیل رفتن روز به روز قوای ما می‌انجامد احرالامر جز شورش و تباهی و نابودی را رقم نخواهد زد. ممکن است گمان شود امام حسین علیه السلام بر مدار تقیه عمل ننمود حال آنکه گزارش‌های تاریخی حاکی از تحمیل دفاع بر سیدالشهداء است آنجا که در مقابل سپاه خُر و بعد تر عمرسعد خواستار بازگشت شدند از مسیری که آمده بودند اما پذیرفته نشد. « متن فوق حدود سال ۹۷ منتشر شده بود و نشان می‌دهد مسیر روشن بوده اما مانع طی مسیر صحیح بوده و هست. آن سال در تهران در مسجدی به تبلیغ مشغول بودیم و بابت همین متن‌ها بارها از نهادهای مربوطه خواستند و هشدار دادند و سپس به هشدارشان در سال ۱۴۰۰ عمل کردند و عذر جمع ما را از فعالیت فرهنگی که داشتیم خواستند و ما در حالیکه نمی‌دانستیم چه منتظر ماست! امروز در کنف حمایت باری تعالی بهتر و بیشتر از سابق به انجام وظیفه انسانی مشغولیم. راست گفت امیرالمومنین علی علیه السلام که نهی از منکر کردن نه عمری را کوتاه می‌کند و نه روزی را کم» عصر جمعه / ۵ آبان ۱۴۰۲

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حتماً در جریان این مباحث هستید و معلوم است که عرض عریضی دارد. تنها می‌توان گفت به این باید فکر کرد که حضرت امام خمینی «رضوان‌الله تعالی علیه» متوجه بودند شرایطی فراهم شده تا هژمونی و اقتدار ابرقدرت‌ها بشکند. و چه خوب تشخیص دادند وگرنه اگر کوتاه می‌آمدیم امروز اسرائیل بود که با تئوری از نیل تا فرات بر ما حاکمیت داشت. نشناختن تاریخی که در آن هستیم، مشکل نویسنده این مقاله است. حتی ایشان متوجه نیستند که چرا حضرت اباعبدالله «علیه‌السلام» می‌خواستند جبهه را تغییر دهند و نه آن‌که ترک مخاصمه با استکبار یزیدی را به میان آورند. و اتفاقاً جبهه اموی این را به خوبی می‌دانست. این مشکل، مشکلی است که ما در نگاه و امید به برجام هم داشتیم و متوجه نقش استکبار در این تاریخ نبودیم که اگر ما قدرتمند نباشیم، ما را به چیزی نمی‌گیرند. و بحمدالله رهبر معظم انقلاب راهی را در مقابل ما و جبهه مقاومت گشودند که اساساً تاریخ دیگری طلوع می‌کند. موفق باشید